

حماس رفتنی نیست*

سرمقالهء روزنامهء اسرائیلی هآرتص، ۵ فوریه ۲۰۰۷

ترجمه بهروز عارفی

آشوب های وحشتناکی که در نوارغزه جریان دارد، درگیری های خونین بین اعضای واحدهای امنیتی الفتح و حماس، و ناتوانی محمود عباس و اسماعیل هنیه در کنترل کامل اوضاع، بسادگی «جنگ داخلی» خوانده می شود. این تعبیری ست که ظاهرا برای اسرائیل پناهگاهی فراهم می آورد تا از ضرورت دست زدن به یک اقدام دیپلماتیک خود را در امان نگه دارد، هرچند اسرائیل هرگز در این امر به عذر و بهانه ای نیاز نداشته است. درگیری بین فلسطینی ها باشد یا نباشد، اسرائیل دائما اظهار داشته است که در بین فلسطینی ها کسی که طرف گفتگو بتواند باشد وجود ندارد، چه یاسر عرفات، چه محمود عباس و چه اسماعیل هنیه، اسرائیل آنان را نادیده گرفته است. یک بار دیگر، باید ادعاهائی نظیر «نبود رهبری فلسطینی» یا بهانهء «درگیری داخلی در سرزمین های فلسطینی» را به دیدهء ناپاوری و تردید بنگریم.

طی سال گذشته، با یک واقعیت جدید سیاسی در سرزمین های فلسطینی و نیز در اسرائیل روبرو شده ایم که کوارتت [مرکب از آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل] از پذیرفتنش خودداری میکند. در انتخابات، بجای الفتح، حماس پیروز شده و حماس است که نهادها و حکومت فلسطین را در اختیار دارد. در حالی که الفتح بسان جنبشی شورشی رفتار میکند که شکست خود را نمی پذیرد. اخیرا، دولت های عربی نظیر مصر و عربستان سعودی که به دولت های میانه رو شهرت دارند، دریافتند که تحریم عمومی علیه تشکیلات خودگردان فلسطین نه تنها برای ایجاد تغییرات در این واقعیت سیاسی تأثیری ندارد، بلکه در تحولات اوضاع که برای خود آن ها نیز خطرناک است دخیل می باشد.

به نظر می رسد که سازمان حماس درک می کند که موضعگیری صرفا ایدئولوژیکی به سازمان سیاسی ای که در صدد کسب بیشترین حمایت مردمی است، کمکی نمیکند. در نتیجه، حماس آماده است در حد معینی، از اینکه تمام پست های کلیدی حکومت را در دست داشته باشد چشم پوشی کند؛ خالد مشعل زیر زبانی گفته است که «اسرائیل یک واقعیت است»؛ بیانیه های سیاسی حماس بروشنی نشان میدهد که آن سازمان خواهان ایجاد دولت فلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ است؛ و هم اکنون، مصر و

عربستان تلاش میکنند تا حماس را برای اتخاذ موضعی میانه رو در ارتباط با پیمان های امضا شده میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین قانع کنند.

از سوی دیگر، اسرائیل و ایالات متحده می پندارند که سیاست متکی بر بازی قدیمی شان - دائر بر اینکه اسرائیل، اگر بخواهد، می تواند به حمایت یا تضعیف محمود عباس پردازد - به نتایج سیاسی مورد انتظارشان خواهد انجامید. گوئی نقل و انتقال صدمیلیون دلار از اسرائیل یا ۸۶ میلیون دلار از ایالات متحده یا تحویل اسلحه به نیروهای وفادار به محمود عباس میتواند تغییری استراتژیک در تشکیلات خودگردان فلسطین پدید آورد. کافی است که تکذیب شدید محمود عباس در مورد اطلاعات مربوط به تحویل اسلحه را بشنویم تا دریابیم که این سیاست اسرائیل او را در مخمصه قرار داده و از اعتبار او میکاهد.

به جای جستجوی دائمی برای یافتن ترفندی موثرتر، دولت اسرائیل باید فوراً و با تمام نیرو اعلام کند که این کشور آماده است ایتکار کنفرانس سران جامعه دول عربی را بپذیرد و حاضر است بر پایه اصول اساسی آن با هر طرف مجاز فلسطینی به مذاکره بنشیند. در همان حال، دولت اسرائیل باید اعلام کند که مصمم است با هر حکومت فلسطینی در مورد مسائل مربوط به خدمات اساسی کشور و به راه انداختن مجدد زیربناهای شهری مذاکره کند. برای رسیدن بدین هدف، نیازی نیست که حماس اسرائیل را به رسمیت بشناسد یا برعکس، تا بتواند به نیازهای انسانی جمعیتی پی ببرد که به گروگان گرفته شده اند (۱).

۱- توجه خواننده را به این نکته جلب می کنیم که حتی در این مقاله ظاهراً جانبدارانه از فلسطینی ها، هیچ سخنی از به رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت فلسطینی ها و قطعنامه های بین المللی و اعتراف به ستم استعماری که بر آنها از یک قرن پیش روا داشته اند نیست. (م).

* Hamas is not going away

www.haaretz.com/hasen/spages/821817.html